

استان مرکزی در کتاب‌ها و مقالات خارج از کشور

معرفی پاره‌ای از منابع خارجی استان‌شناسی

دکتر مرتضی ذکایی ساوجی

از آنجا که در مطالعات مربوط به استان مرکزی بایستی سهم عمده‌ای را برای محققان خارجی و یا تحقیقات انجام شده در خارج از کشور قائل شد، آگاهی از سوابق این تحقیقات بسیار لازم و سودمند و برای محققان بومی راهگشا خواهد بود. اما هم به لحاظ گستردگی منابع و پراکندگی آن و هم به لحاظ دشواری دسترسی به منابع خارجی استان‌شناسی باید اذعان کرد که فراهم‌آوری و آگاهی از همه آنها کاری بسیار دشوار و گاه غیرممکن و از عهده یک تن خارج است. به هرحال نگارنده این گفتار در حد بضاعت خود و دسترسی محدودی که به منابع داشت برخی از این‌گونه آثار شامل کتاب‌ها و مقالات را اجمالاً معرفی کرده است تا شاید در آینده و با یاری دیگر محققان فهرست کامل‌تری را ارائه نماید.

الف - اراک

پاتریک فان‌تین^(۱) از محققان و اراک‌شناسان غیرایرانی است که مطالعات عمیق و دامنه‌داری را درباره اراک به انجام رسانده است. مقالات پاتریک فان‌تین از نوع مقالات Data baseo littrature، تحقیقی و آماری هستند. از جمله مقاله بلند او درباره صنعت قالی‌بافی در اراک که نشانی کامل آن چنین است:

Fontaine, Patrice : The carpet weaving industry in the Arak region : Permanence and change in the technical organization of production, in pinner, Robbert & Walter B.

1. Patrice Fontaine.

Denny eds. *Oriental carpet 8 textile studies III*, part 1. In honour of May H. Beattie, London, Halio. O. C. TS. / Holi publication LTd, 1987. pp. 52-64. 6 photo, 5 diagram. 1 table.

این مقاله در سال ۱۹۸۷ م. در لندن به چاپ رسیده است و حاوی ۶ عکس، ۵ نمودار و یک جدول می‌باشد.

مقاله دیگر پاتریک فان‌تین دربارهٔ رنگرزی در ایران مرکزی است که سهم عمدهٔ آن مربوط به استان مرکزی و اراک می‌باشد و در سال ۱۹۸۲ میلادی به چاپ رسیده است. نشانی آن چنین است :

Fontaine, Partrice : "La teinture en Iran central, permanence et mutations". L. Ethnographie, 78/86. 1982. pp. 19-21.

پاتریک فان‌تین و همکارش Helen Desmet Gregoire یک مقاله بلند ۹۰ صفحه‌ای را دربارهٔ اراک و همدان در مجله "Studia Iranica" سال ۱۹۸۸ م. منتشر کرده‌اند. در تدوین این تحقیق، محمدعلی احمدیان و ابوالقاسم طاهری تدوین شرکت داشته‌اند. نشانی دقیق این مقاله چنین است :

Hélène Desmet Gregoire and Patric Fontaine : "La région d'Arak et de Hamadan: cartes et documents ethnographiques", with the collaboration of Mohammad-Ali Ahmadian and Abolqasem Taheri. *Studia Iranica*, Cahier 6. Association pour l'avancement des études iraniennes. Leuven: Teeters. Paris, 1988

این مقاله توسط آقای اصغر کریمی با عنوان «نقشه مردم‌نگاری اراک و همدان» ترجمه شده و به چاپ رسیده است (مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۰ ش.). اهمیت این مقاله از آنجا معلوم می‌شود که چند سال بعد یکی از محققان دانشگاه پنسیلوانیا به نام «برین اسپونر»^(۱) در مجله *Iranian Studies* مقاله هلن دسمه گرگوار و پاتریک فان‌تین را مورد نقد و بررسی قرار داده است. Brain Spooner دربارهٔ این مقاله مطالبی را نوشته است که ترجمه قسمت‌هایی از آن، چنین است: «این اثر سترگ ۹۰ صفحه‌ای که در آن فقط در حدود ۲۰ صفحه یا بیشتر (۵۰٪ متن) حیطهٔ گسترده‌ای از اطلاعات اساسی را فراهم می‌کند شامل نقشه‌های طرح، عکس‌ها، طراحی‌ها، جداول، آمار و یک فرهنگ لغات زبان بومی است. این

1. Brain Spooner.

تحقیق از یک پروژه مشترک با همکاری میان سازمان توسعه نقشه‌های قوم‌شناسی ایران (C.N.R.S) و مرکز انسان‌شناسی در تهران در طول سال‌های دهه ۱۹۷۰ م. حاصل شده است. شکی نیست که این تحقیق می‌توانست دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری همراه باشد، اگر مطالعات به علت تغییر رژیم ایران معلق و مسکوت نمی‌ماند. شیوه‌های میدانی که این تحقیق بر پایه آنها بنا شده از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ م. را در بر گرفته است. به غیر از تحقیق به روش میدانی و پیمایشی، اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع دیگر در کتاب‌شناسی محققان فهرست شده است. برخی از این منابع فرهنگ‌های جغرافیایی و سرشماری است. محصول تحقیق، مقدمه‌ای سودمند و کارآمد برای آشنایی با نواحی اراک و همدان است.

نویسندگان، این دو ناحیه را به عنوان نواحی مهم تماس فرهنگی معرفی می‌کنند. آنها به عمومیت یافتن استفاده روزمره از زبان ترکی در شمال، فارسی در جنوب شرقی، کردی در غرب و لری در جنوب غربی توجه نشان می‌دهند. بویژه اینکه جزئیات جالبی (برای اینکه تحقیق ممکن است به عنوان یک منبع بی‌نظیر تاریخی باقی بماند) در ارتباط با گسترش استفاده از زبان متنوع در کشاورزی و دیگر بخش‌ها و نیز توزیع گسترده اقلیت‌های مذهبی (ارمنی - آشوری - یهودی) و زیارتگاه‌ها و ارائه اطلاعاتی به زائران، همچنین اطلاعاتی درباره اجرای طرح‌های سنتی کشاورزی با طرح‌های دقیق، کارهای چوپانی، سفالگری، صنایع دستی و خانگی و انواع مختلف از پخت نان و ... ارائه کرده است. «برین اسپونر» افزوده است: «حتی اگر این پروژه مسیر خود را تا آخر پیموده بود هنوز از ضعف غیرقابل اجتنابی در زمینه پروژه‌های جغرافیایی قوم‌شناسی رنج می‌برد. اولویت و تقدم همیشه به اطلاعات و دانسته‌هایی داده شده است که می‌تواند در نمایش‌های فضایی و محیطی نمایش داده شود یا در قالب کارهای محیطی انجام گیرد. در این حالت خواننده مقاله هیچ راهی برای دانستن این که کدام اطلاعات به‌طور مستقیم مشاهده شده است و کدامیک از منابع دیگر اخذ شده است نمی‌یابد.»

«برین اسپونر» ضمن اینکه در ادامه این نقد، ایرادها و نواقصی را به کار محققان پروژه وارد دانسته است و آنها را ذکر کرده، در پایان افزوده است: «ما به این اثر به عنوان یک تحقیق پرارزش که به دانش قوم‌شناسی مان مطالب زیادی می‌افزاید به عنوان یک ضمیمه سودمند به مدارک بوم‌شناسی و تاریخی خوشامد می‌گوییم». مشخصات مقاله او چنین است:

Brain Spooner, Review of "Le region d'Arak et de Hamadan ...", Iranian Studies : [Published in the U.S.A]. volume 29. Numbers 1-2, Winter-spring 1996. p. 183.

مدخل «اراک» در دایرةالمعارف ایرانیکا، چاپ نیویورک در دو بخش I. تاریخ II. شهر جدید و صنعتی اراک تدوین شده است. نویسنده قسمت اول (تاریخ) «بوس ورث» C. E. Bosworth و نویسنده قسمت دوم (اراک جدید) X. DE Planhol است. هر دو مقاله بخصوص مقاله دوم حاوی مطالب جالب و خواندنی است. محقق جوان ساوجی آقای جواد صدیف این مقالات را برای فصلنامه راه دانش ترجمه کرده است.

C. E. Bosworth : ARAK (History) in : Encyclopedia Iranica : edited by Ehsan Yarshater, Center of Iranian Studies Clumbia university New York 1986, volume II, FASCICLE 3, p. 247.

X. DE PLANOL : ARAK (modern town and industry, Encyclopedia Iranica, 1986. volume II, p. 248.

«بوس ورث» که در ضمن از ویراستاران ارشد و اصلی دایرةالمعارف اسلام است مقاله «سلطان آباد» را در آن دایرةالمعارف تدوین نموده است :

C. E. Bosworth : Sultan-Abad in the Encyclopedia of Islam, (New edition), Leiden, Brill, 1997, IX, p. 859.

این مقاله توسط خانم معصومه ارباب، ترجمه شده و در فصلنامه راه دانش شماره ۱۲ - ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۶) صفحه ۵۵ به چاپ رسیده است.

«بوس ورث» در فهرست مآخذ خود به مقاله ای از پروفیسور ولادیمیر مینورسکی درباره اراک با عنوان art and that to Al-Karadj و نیز کتابی از او چاپ لندن (۱۹۴۵ م.) ارجاع داده است که متأسفانه نگارنده به آنها دست نیافت.

ژنرال هوتم شیندلر در کتاب عراق عجم شرقی، گزارش سفرهای خود را به شهرهای استان مرکزی از جمله اراک، ساوه، محلات و نیمور بیان کرده که حاوی مطالب جالبی است. نشانی دقیق این کتاب چنین است :

A. Houtum-Schindler : Eastern Persian IRAK. London, John Murray, Albemarle street, 1896.

«ب. واسیلیان»^(۱) کتابدار ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا که دانش آموخته رشته کتابداری در ایران است کتابی را درباره آرامنه و ایران ترتیب داده که حاوی مطالب جالب و مهمی درباره آرامنه ایران از جمله اراک است. کتاب آرامنه و ایران فهرستگان یا فهرست مشترکی است از کتابهای موجود در کتابخانههای ایالات متحده درباره آرامنه و ایران. در این کتاب علاوه بر اطلاعات کتابشناختی هر مدخل، محل نگهداری کتاب را نیز مشخص می نماید. از مجموع ۳۹۶ کتابی که در این مجموعه آمده، ۳۵ مدخل مربوط است به آثار به زبان روسی و بقیه مدخلها به آثار فارسی، ارمنی و انگلیسی اختصاص دارند که تمامی اطلاعات آنها غیر از کتابهای انگلیسی زبان با حروف لاتینی آوانگاری شده اند. آقای مهرداد نیکنام این کتاب را در مجله «کلک» معرفی کرده است (شماره ۶۴ - ۶۱، فروردین - تیر ۱۳۷۴، ص ۴۵ - ۴۴). نشانی دقیق کتاب آرامنه و ایران چنین است :

Hamo B. Vassilian : Armenians and Iran : A comprehensive bibliographic guide to books published in the Armeniane, persian, English and Russian languages, 2nd edition completely revised Glendale Co : Armenian reference books Co, 1994.

نام نگارنده یا به قولی ویراستار کتاب برای بسیاری کتابداران و اهل کتاب آشناست. اولین کتاب واسیلیان در سال ۱۳۵۶ ش. زیر نظر خانم شیرین تعاونی در مرکز خدمات کتابداری وزارت فرهنگ و آموزش عالی منتشر شد.

خانم ژاکلین رودلف توبا در تحقیقی میدانی مقاله عالمانه ای را با عنوان «تفاوت وظایف زنان و مردان خانواده های ایرانی در مناطق شهری و روستایی از یک منطقه در حال صنعتی شدن در ایران (با تأکید بر شهرستان اراک)»^(۲) منتشر کرده است. این مقاله توسط خانم مریم صالحی ترجمه شده و در فصلنامه راه دانش استان مرکزی شماره ۱۸ - ۱۷ (بهار و تابستان ۱۳۷۸) به چاپ رسیده است.

Touba, Jacqueline Rudolph et al. : Macro-system effects on the iranain family: Its

1. B. Vassilian.

۲- این مقاله در (Journal of Marriage and the family (May 1975) آمده است.

culture, function and processes in and area undergoing planned industrialization, Arak Shahrestan, Journal of marriage and the family, May 1975.

در این کتاب‌ها نیز اشاراتی بعضاً تا چند صفحه دربارهٔ تاریخ و فرهنگ اراک آمده است :

Admiralty Handbook, Persia, London, 1945, pp. 98, 553-558.

C. A. de Bode : Travels in Luristan and Arabistan, 2 vols, London, 1845, II, pp. 314-315.

Heinrich Brugsch : Reise der k. Preussis chen Gesandschaft nach persien 1860 und 1861. 2 vols, Leipzig, 1863, II, pp. 11-15.

United Kingdom, Parliament, Account and papers 87, Report on Ispahan, 1894, pp. 57-58. reper in Charles Issawi, ed., the Economic history of Iran 1800-1914, Chicago (U.P.) and London 1971, pp. 304-305.

Eteocle Lorini, La persia economica contemporanea a la sua questione monetaria, Rome, 1900, p. 200.

E. Wirth, Der orientteppich und Europa. Erlangen, 1976 (Erlanger geographische arbeiten 37 = Mitteilungen der Frankischen geographischen Gesellschaft 21-22, 1974-75, pp. 297-400).

پروفسور دکتر اکارت اهلرس استاد جغرافی و ایران‌شناس آلمانی مقاله مبسوطی را دربارهٔ قالی‌بافی و تجارت فرش در اراک / فراهان در سال ۱۹۸۲ م. / ۱۳۶۱ ش. منتشر کرده است که نشانی آن چنین است:

Ehlers, Eckart : Teppichmanufaktur und Teppichhandel in Arak / Farahan - Iran, in: der Islam, Bd. 59. H. 2. 1982, 222 ff.

این مقاله توسط دکتر مهرداد ترابی‌نژاد ترجمه شده و در فصلنامه راه‌دانش استان مرکزی شماره ۱۲ - ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۶) صفحات ۱۴۹ - ۱۷۰ به چاپ رسیده است.

دو مقاله بعدی هم دربارهٔ کشاورزی و تکنولوژی فنی آن در اراک است :

Irak selskokhozya istvennikh traktorov Irana, BIKI, 5. XI. 1955, p. 3.

Produktsia finikov v Irane i Irake. BIKI. 24. V. 1955. [p. 2.

مشاهیر اراک و فراهان

«ا. فامیلی» دربارهٔ اندیشه‌های اجتماعی و اقتصادی امیرکبیر مقاله مفصلی نگاشته است که نشانی آن چنین است :

Famili, A. : Gidrotekhnicheskiy kompleks "Amir Kabir" i ego znachenie dlya ekonomicheskogo razvitiya rayona g. Tegerana. in : Strany Blizhnego i srednego vostoka: istoriya, ekonomika, 1972, pp. 426-432.

ایران و تنظیمات. اصول تنظیمات که در عثمانی منشأ تحولات اجتماعی اساسی شد آرام آرام تأثیراتی در افکار رجال ایران مانند میرزاتقی خان امیرکبیر، میرزاملکم خان ناظم‌الدوله و میرزاحسین خان سپهسالار بر جای گذارد. «انجا پیستور حاتم» دربارهٔ این موضوع رسالهٔ دکتری به زبان آلمانی نوشت که کتابفروشی شوارتز در سال ۱۹۹۲ م. آن را به چاپ رسانده است :

Pistor-Hatam, Anja : Iran and die reformbe wegen gim osmanischen riech: Persische staatsmanner, reisende, und oppositionelle unter dem einfluss der tanzimat, Berlin, Shwarz, 1992. III 260/s Islamkundliche unter suchungen, 158.

اخیراً دکتر عباس امانت مدیرمسئول و سردبیر مجله Iranian Studies (چاپ آمریکا) و عضو در پارلمان تاریخ دانشگاه یال^(۱) آمریکا کتاب مفصلی را درباره زندگی ناصرالدین شاه قاجار تألیف کرده است که مطالب عمده‌ای دربارهٔ میرزاتقی خان امیرکبیر در بر دارد. این کتاب توسط دانشگاه کالیفرنیا به چاپ رسیده است.

Amanat, Abbas : Pivot of the univers (Nasiral-din Shah Qajar and the iraninan monarchy), (1831-1896), University of California Press, 1996.

خانم «مریم دژه اختیار» رسالهٔ دکتری خود را در دانشگاه نیویورک دربارهٔ مدرسهٔ دارالفنون و توسعه فرهنگی ایران در عصر قاجار نوشته است. دارالفنون (۱۲۲۰ - ۱۲۷۱) اولین مدرسه غیرمذهبی تحصیلات عالی در ایران بود که توسط امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار ایجاد شد. مؤلف با تمرکز بر دارالفنون و کاربرد منابع اولیه به پژوهش در مورد این مسأله می‌پردازد که چگونه مؤسسه دارالفنون

1. Yale.

به صورت وسیله‌ای برای توسعه و مقدمه ورود نوآوری‌های غربی درآمد و تبدیل به زمینه‌ای تجربی برای آزمون عقاید و الگوهای غربی شد.

Maryam Dorreh Ekhtiar : The Dar-alfunun : Educational reform and cultural development in qajar Iran, New York university, 1994.

جان فرانسیس فوران در رساله دکتري خود در دانشگاه کالیفرنیا با عنوان «ساختار اجتماعی و دگرگونی در ایران، قسمت زیادی از فصل پنجم رساله خود با عنوان اصلاحات و جنبش‌های اجتماعی دوره قاجاریه را به میرزاتقی خان امیرکبیر اختصاص داده است.

John Francis Foran : Social structure and social change in Iran, 1500-1979, University of California, 1988.

جان اچ. لونتز رساله دکتري خود را در دانشگاه پرینستون درباره نقش امیرکبیر در نوسازی و دگرگونی سیاسی ایران نوشته است. تحقیق او بیشتر درباره اصلاحات امیرکبیر است، ولی از آنجا که (به زعم او) عمده‌ترین محرک دگرگونی در طول قرن نوزدهم تأثیر غرب می‌باشد برخی اقدامات وی ریشه و سابقه در اوایل این قرن دارد، از این‌رو محدوده تحقیق را جهت در برگرفتن تنش سیاسی داخلی گسترش داده، و بویژه تأثیر اصلاحات نظامی عباس میرزا مورد کاوش قرار می‌گیرد. نقطه تمرکز پژوهش، اقدامات امیرکبیر است.

محقق در فصل چهارم رساله خود به زندگی امیرکبیر در سال‌های نخست آن و زادگاه او در فراهان اراک و عوامل شکل‌دهنده شخصیت وی پرداخته است.

John H. Lorentz : Modernization and political change in nineteenth century Iran : The role of Amir Kabir, Princeton university, 1984.

اشاق عمران شائول در رساله دکتري خود در دانشگاه جرج واشنگتن با عنوان «ارزش‌های فرهنگی و سیاست خارجی» در فصل دوم با عنوان رشد و زوال نفوذ و سنت اسلامی در ایران به بحث درباره قائم مقام فراهانی و امیرکبیر پرداخته است :

Eshagh Emran Shaoul, "Cultural values and foreign policy decision - making in Iran: The case of Iran's recognition of Israel", The George washington University, 1971.

دکتر حامد الگار محقق بزرگ و بلند پایه اسلام شناس و ایران شناس، مقاله بلند و فخری در دایرةالمعارف ایرانیکا ذیل مدخل امیرکبیر نگاشته است که محقق جوان ساوی آقای مهندس علیرضا صدیف آن را برای فصلنامه راه دانش استان مرکزی ترجمه کرده است. حامد الگار در این مقاله، بخصوص فعالیت های وسیع داخلی و روابط بین المللی امیرکبیر را به خوبی بر شمرده است :

Hamed Algar : Amir-e-Kabir : Encyclopedia Iranica. edited by Ehsan Yarshater, volum 1, FASCICLE 9, 1985, pp. 963.

حامد الگار همچنین در کتاب خود با موضوع نقش علما در ایران درباره امیرکبیر بحث کرده است :

Hamed Algar : The role of the Ulama in the qajar period, Berkeley and Los Angeles, 1969, pp. 124-26.

جی. چ. لورنتز طی مقاله ای در مجله Iranian Studies به بررسی نقش اصلاح طلبانه امیرکبیر در ایران پرداخته است.

J. H. Lorentz : Iran's great reformer of the nineteenth century : An analysis of Amir Kabir's reform's, Iranian Studies 4/2-3, 1971, pp. 85-103.

مانیبور رحمان، محقق سخت کوش هندی مقاله «ادیب الممالک فراهانی» را در دایرةالمعارف ایرانیکا سامان داده است. این مقاله نیز توسط آقای جواد صدیف ترجمه شده است :

Munibur, Rahman : Adib-al-Mamalek Farahani : Encyclopedia Iranica, volum 1 FASCICLE 3, 1983,, p. 459.

همین محقق در کتاب خود که سال ها پیش در الیگره هند منتشر کرده است مفصلاً درباره ادیب الممالک فراهانی قلم زده است :

Munibur Rahman : Post-revolution persian vers, Aligarh, 1955, pp. 128-134 , 143.

اشعاری منتخب از ادیب الممالک فراهانی در کتاب «برگزیده شعر فارسی معاصر» چاپ الیگره، ۱۹۵۸ م، صفحات ۸-۳، ۱۴۵-۱۴۰، ۲۴۵-۲۴۲، ۲۹۴-۲۹۱ به چاپ رسیده است.

ف. ماچالسکی روسی نمونه هایی از شعر ادیب الممالک فراهانی را چاپ و بررسی کرده است :

F. Machalski : La litterature de l'Iran contemporain I. Krakov 1965, pp. 48-56.

م. اسحاق در کتاب سخنوران ایران در عصر حاضر، چاپ دهلی نو، ۱۹۳۷ م.، صفحات ۶۳ - ۴۸ به اشعاری از ادیب‌الممالک فراهانی پرداخته است.

ادوارد براون نیز در تاریخ ادبیات ایران (انگلیسی) به بحث دربارهٔ ادیب‌الممالک فراهانی پرداخته است.

E. Brown : Littrature history persia, IV, pp. 346-349.

یان ریپکا نیز در کتاب «تاریخ ادبیات ایران» خود از ادیب‌الممالک فراهانی یاد کرده است :

Y. Rypka : History of Iran littrature, pp. 348 , 367 , 375-376.

ب - آشتیان

«بوس‌ورث» مقاله «آشتیان» را در دایرةالمعارف ایرانیکا سامان داده است :

C. E. Bosworth : Aštian : Encyclopedia Iranica, volum II, FASCICLE 8, 1987, pp. 847-848.

دکتر احسان یارشاطر همدانی دانشمند بزرگ ایرانی و سرپرست دایرةالمعارف ایرانیکا مقاله‌ای فنی و زبان‌شناسانه دربارهٔ گویش آشتیان نگاشته است. یارشاطر در سال ۱۹۶۹ م. به منظور تحقیق دربارهٔ گویش آشتیان به آنجا سفر کرده است. مقاله احسان یارشاطر پرنکته، فنی و بلیغ است^(۱). آقای علیرضا صدیف این مقاله را برای فصلنامه راه‌دانش استان مرکزی ترجمه کرده است :

Ehsan Yarshater : Aštiani : Encyclopedia Iranica, volum II, FASCICLE 8, 1987, pp. 848-849.

دکتر یارشاطر از کتاب‌هایی که پیش از او دربارهٔ گویش آشتیان، وفس و تفرش منتشر شده در مقاله خود سود برده و آنها را در فهرست منابع خود ذکر کرده است. از جمله کتاب گویش آشتیان، وفس و تفرش نوشتهٔ م. مقدم، چاپ تهران، ۱۳۱۸ و کتاب گویش آشتیان نوشته صادق کیا، چاپ تهران، ۱۳۳۵ ش.

۱ - این امر می‌تواند از افتخارات مردم آشتیان باشد که محققى در پایه دکتر یارشاطر گویش این ناحیه را مورد بررسی قرار داده است.

مشاهیر آشتیان

دکتر حامد الگار مطالعات عمیقی درباره علمای آشتیان انجام داده و برخی را در دایرةالمعارف ایرانیکا و دیگر آثار خود به چاپ رسانده است. از جمله مقاله بلند اوست درباره حاجی میرزا حسن آشتیانی (یا محمد حسن) فرزند میرزا جعفر (متوفی ۱۳۱۹ ق.).

H. Algar : Aštiani, Hajj Mirza Hassan : Encyclopedia Iranica, volum II, FASCICLE 8, 1987, pp. 849-850.

وی همچنین در کتاب نقش علما در دوره قاجار، مطالبی درباره حاجی میرزا حسن آشتیانی نگاشته است:

H. Algar: Religion and state in Iran, 1785-1900 : The role of the Ulama in the qajar period, Berkeley and Los Angeles, 1969, pp. 211-16, 218-19, 224-225, 245.

دکتر ادوارد براون نیز درباره میرزا حسن آشتیانی مطالبی نگاشته است :

E. G. Brown : The Persian revolution (1905-1909), Cambridge 1911, pp. 22nn, 24 , 54.

نیکو کدی نیز درباره میرزا حسن آشتیانی مطالبی را رقم زده است :

N. R. Keddie : Religion and rebellion in Iran, London, 1966. pp. 90, 96-98, 102-106, 114-18, 130, 134, 145-147.

کاساگوفسکی محقق روسی نیز تحقیقاتی درباره میرزا حسن آشتیانی منتشر کرده است :

V. A. kosogovskii : Iz teheranskogo dnevnika, Moscow, 1960, pp. 48-49.

دکتر حامد الگار همچنین مقاله ممتعی درباره حاج میرزا مهدی آشتیانی معروف به میرزا کوچک (۱۳۷۲ - ۱۳۰۶) در دایرةالمعارف ایرانیکا سامان داده است و در مطلع آن از حاج میرزا مهدی به عنوان جامع معقول و منقول یاد کرده است. مقالات وی درباره آشتیانی ها به وسیله آقای علیرضا صدیف برای فصلنامه راه دانش استان مرکزی ترجمه شده است :

H. Algar : Aštiani, Hajj Mirza Mahdi, Encyclopedia Iranica, volum II, FASCICLE 8, 1987, pp. 850-851.

خانم لیدا اندیشه رساله دکترای خود را در دانشگاه یوتا^(۱) درباره عباس اقبال آشتیانی تألیف کرده است. به زعم او عباس اقبال آشتیانی از برجسته‌ترین روشنفکران ایرانی در نیمه اول قرن بیستم است که تأثیر زیادی بر متفکرین معاصر ایرانی داشته است. او نماینده گروه کوچکی از دانشمندان ایرانی بود که روحانیون را با متفکرینی که در سیستم جدید آموزشی تعلیم یافته بودند، مرتبط نمود. محور بررسی این رساله دوره‌ای از زندگی اقبال و آثار و عقاید اوست. او به عنوان بهترین فرد از میان هم‌قطارانش به مثابه روشنفکر برجسته عصر خویش انتخاب شده است. مؤلف، بحث خویش را با مقدمه‌ای در مورد تاریخ روشنفکری در ایران و نیز جایگاه اقبال در این میان شروع می‌کند. فصل یک به بررسی عوامل مؤثر بر روند تاریخ ایران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم می‌پردازد. فصل دوم به زندگی اقبال در سال‌های شکل‌گیری شخصیت و نیز فعالیت‌هایش در داخل و خارج از کشور، تأثیر بر دوستان و همکارانش اختصاص دارد. علاوه بر این، تحول در سیستم آموزشی و روزنامه‌نگاری ایران به بحث گذاشته شده است (در این دو حوزه اقبال بسیار فعال بوده و از موقعیت ممتازی برخوردار می‌باشد).

اقبال تأثیر ماندگار و دیرپایی بر گسترش تاریخ‌نویسی در ایران داشته است. نوشته‌های وی در این زمینه به عنوان آثار اولیه نگارش تاریخ در ایران با به‌کارگیری روش علمی نوین که متأثر از شرق‌شناسان غربی است، قلمداد می‌گردد. فصل سوم این رساله به تألیفات اقبال در حوزه تاریخ، ادبیات و متون انتقادی پرداخته و درباره هریک به تفصیل بحث نموده است. آثاری چون: خاندان نوبختی، تاریخ مفصل ایران، مطالعه درباره بحرین و سواحل خلیج فارس، میرزاتقی‌خان امیرکبیر، تجارب السلف، تاریخ طبرستان، روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس، مجمع التواریخ، ترجمه محاسن اصفهان، عتبات البدایع الزمان فی وقایع الکرمان، متون ادبی: حقایق السحر فی دقائق الشعر، طبقات الشوری، کلیات عبید زاکانی، دیوان امیر معزی، انیس العشاق شدالازار، لغت فرس، متون مذهبی: بیان‌الادیان، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، ترجمه‌های اقبال، انتشارات اقبال، اشعار، آثار چاپ شده اقبال، یادداشت‌ها، فصل چهارم این رساله دکتري «اقبال و روزنامه یادگار» نام دارد و به تجزیه و تحلیل نظرات وی بر پایه مقالات برجسته‌ای که در مجله یادگار (اولین مجله مهم در تاریخ ایران) به چاپ رسانده، می‌پردازد. در خاتمه مؤلف رساله به ارزیابی مجدد شخصیت اقبال و جایگاهش در سنت روشنفکری می‌پردازد. او در حالی که بر

1. Utah.

تاریخ و فرهنگ ایران مسلط بود، در پرورش، اخذ و کاربرد درست عقاید جدید نیز توانایی داشت.

Lida Andisheh : Abbas Iqbal Ashtiyani (1897-1956), the University of Utah, 1982.

مشاهیر آوه

مقاله ابو عبدالله آوی دکتر ابوالقاسم گرجی که پیش از این در دانشنامه ایران و اسلام چاپ شده بود در دایرةالمعارف ایرانیکا مجدداً چاپ شده است :

Gorji, Abu'l-Qasem : Abi, Abu Abdallah : Encyclopedia Iranica, volum 1, FASCICLE 2, p. 217.

M. M. Mazzaoui مقاله‌ای در معرفی ابوسعید آوی (م. ۴۲۱ ق.) در ایرانیکا نوشته است :

M. M. Mazzaoui : Abi, Abu Sa'd : Encyclopedia Iranica, volum 1, FASCICLE 2, pp. 217-218.

اُون آلمانی مقاله‌ای در معرفی کتاب نثرالدر ابوسعید آوی نگاشته است :

C. A. Owen : Arabian wit and wisdom from Abu Sa'ids Kitab Nathr-al-durar, Jaos 54, 1954, p. 263.

Gorgi, Abu'l-Qasem : Abi-Ezz-al-Din : Encyclopedia Iranica, volum 1, FASCICLE 2, p. 218.

کارل بروکلمان آلمانی آثار ابوسعید آوی را شناسانده است :

Brockelmann, Ch. Geschichte der arabischen Littrature, SI, 429-430.

آثار و کتاب‌های ابوسعید آوی در مصر، تونس و سوریه به طبع رسیده است و نگارنده در مقالات دیگر خود آنها را به دقت بازشناسانده است. (ذکایی ساوجی، مرتضی، آوه در گذر تاریخ، فصلنامه راه دانش، شماره ۱۸ - ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۷۳ - ۱۷۴).

در این کتاب نیز مطالبی درباره نثرالدر و ابوسعید آوی درج شده است :

Katalog der Handchriften der universitaits zu Leipzig, vollers, 1906, pp. 182-183.

نسخه‌های خطی فراوانی از کتاب نثرالدر ابوسعید آوی در کتابخانه‌های مختلف جهان پراکنده است. از آن جمله در کتابخانه برلین (شماره ۸۳۲۹/۳۱)، لیدن (شماره ۴۵۰)، بادلیان آکسفورد (فهرست بادلیان، ج ۱، ص ۳۰۱، ۳۷۴)، پترزبورگ (فهرست دُرن، ص ۱۹)، قاهره (فهرست دارالکتب یکم، ج ۴، ۳۳۶)، دارالکتاب دوم، ج ۳، ص ۴۰۳)، محمد پاشا در استانبول (الذریعه، ج ۲۴، ص ۵۲)، موزه بریتانیا (ش ۵۷۶۹، Or)، عاشر افندی (فهرست، ۷۱۹/۱)، چسترییتی ایرلند (شماره ۳۸۱۴، فهرست، ج ۴، ص ۱۹) موجود است.

پ - خمین

شهرت شهر خمین بویژه در سی سال گذشته در سطح جهان و امدار نام معمار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) است. در این سال‌ها بسیاری کتاب‌ها و مقالات در همه سطوح درباره امام خمینی (ره) منتشر شده و نام خمین به این دلیل از شهرت بین‌المللی برخوردار است. پاره‌ای از این کتاب‌ها و مقالات که در خارج از کشور منتشر شده توسط نگارنده در فصلنامه راه‌دانش شماره ۱۳ و ۱۴ (بهار و تابستان ۱۳۷۷) صفحات ۲۸۹ - ۲۹۴ منتشر شده است. در این گفتار به موارد دیگری اشاره خواهد شد.

«ویلیام هاناوی» پنج غزل عرفانی حضرت امام خمینی را به انگلیسی ترجمه و در مجله مطالعات ایرانی (چاپ آمریکا) منتشر کرده است :

Hanaway, William : Five mystical ghazal by the Ayatollah Khomeini, Iranian Studies, volum 30, Number 3-4, summer / fall 1997, pp. 273-276.

در همین مجله شش غزل سروده شده از شش شاعر ایرانی در سوگ رحلت امام خمینی (ره) به وسیله پاول لوزنسکی منتشر شده است. این غزل‌های ترجمه شده سروده ناصر شکوری، علیرضا امامی، محمدعلی بهمنی، فاطمه راکعی، پرویز عباسی داکانی، رضا اسماعیلی است.

Losensky, Paul : Elegies for a lost leader : Six poems on the death of Khomeini, Iranian Studies, volume 30, Number 3-4, summer / fall 1997, pp. 277-290.

«فرهنگ رجایی» رساله دکتری خود را در دانشگاه ویرجینیا درباره نظرات سیاسی امام خمینی نگاشته است:

Farhang Rajaee : Islam and politics : Ayatollah Ruhollah Musavi Khomeini's fundamental political ideas, University of Wirginia, 1983.

«حمید موانی» رساله دکتری خود را در دانشگاه مک گیل (کانادا) درباره مبانی رهبری امام خمینی (ره) نوشته است:

Hamid Movani : The basis of leadership Khomeini's claims and the classical tradition, MacGill University, 1992.

احمد دوست محمدی رساله دکتری خویش را در مؤسسه عالی کلارمونت (۱۹۸۴ م.) درباره خط امام نوشته است :

Ahmad-Doost Mohammadi : The line of Imam, Clarmont Graduate School, 1984.

هومن پیمانی رساله دکتری خود را در دانشگاه کارلتون (کانادا) (۱۹۹۰ م.) درباره جناح میانه‌رو پس از دوره [امام] خمینی نوشته است :

Hooman Peimani : The myth of the moderate faction in the Islamic republic of Iran: An analysis with emphasis on the post Khomeini, Carleton University, 1990.

مقالات زیر نیز درباره امام خمینی منتشر شده است :

Halliday, F. : Khomeini's home front, New state sm, 104 : 19-20, No. 19, 1982.

Halliday, F. : Threat to Khomeini's regime, New State sm 100, 6, s, 26, 1980.

Yavari, N. : Pouvoir charismatique et enjeux affective ideologiques : 1 image de Khomeiny dans les titres a la une de liberation : Iran, Histoire et revolution, Pons zaman, le sycomore 1980, pp. 25-43.

Menashri, David : The shah and Khomeini : conflicting nat-oionalisms, crossroads 8 (winter-spring) : 53-79, 1982.

اسماعیل شاکری پایان‌نامه دکتری خود را در دانشگاه تورنتو (کانادا) ۱۹۹۲، درباره مقایسه سیاست خارجی مصدق و امام خمینی نگاشته است :

Esmail Shakeri : Oil nationalization and the Hostage crisis : A comparative analysis of Iran's foreign conflict behavior under the charismatic leaderships of Mossaddegh and Khomeini, University of Toronto, 1992.

آقای دون استوارت Devin J. Stewart در مقاله عالمانه‌ای با عنوان «تصویری از رقابت علمی نجف و قم در نگاشته‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۷ م.» در این کتاب بحث کرده است : Linda S. Walbridge, The most learned of the shia (The institution of the Marja Taqlid), Oxford University press, 2001, XII + 264, ISBN: 019513 799-X

دون استوارت با ارائه گزارش از روند شکل‌گیری حوزه‌های علمیه قم و نجف از رقابت علمی بین این دو شهر با تکیه بر سخنان و نوشته‌های امام خمینی سخن می‌گوید.
کتاب معرفی شده که دربرگیرنده ۱۴ مقاله و گردآورنده آن ل. والبریج است حاوی مقالات جالب دیگری درباره مرجعیت تقلید شیعه است. نیز حامد ربشی در این مجموعه مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی از استدلال‌های امام خمینی در باب ولایت فقیه» نوشته است.

ت-ساوه

ویلهم توماشک در فصل سوم کتاب خود با عنوان جغرافیای تاریخی ایران کوشش کرده است تا براساس متون بسیار قدیمی مانند راهنما یونانی پئوتینگرایا و جغرافیای بطلمیوس قلوذی سابقه تاریخی و وجه تسمیه‌ای از ساوه به دست دهد :

Tomaschek, Wilhelm : Zur historischen topographie von persien, Wien, 1885, rep. in West Germany, 1972.

ولادیمیر مینورسکی در دایرةالمعارف اسلام مقاله مهمی درباره ساوه نگاشته است. این مقاله به وسیله نگارنده ترجمه شده و در کتاب ساوه‌نامه (انتشارات مسلم همدان، ۱۳۶۹) به چاپ رسیده است.

Minoresky, Veladimir : Saveh, First encyclopedia of Islam, 1913-1936. Edited by M. th. Houtsma, A. J. Wensinck, H. A. R. Gibbow, Heffening and E. level proven ca. E. J. Brill, Leiden, New York, Kobenhav N, Koln, 1987, vol VIII, p. 182.

اوتاکر کلیما^(۱) دانشمند ایران‌شناس اهل چکسلواکی تحقیقات مهمی دربارهٔ مزدکیان و از جمله روستای مزلقان (مزدقان) ساوه به انجام رسانده است. این کتاب ترجمه شده است. کلیما، اوتاکر: تاریخ جنبش مزدکیان، ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، تهران، توس، ۱۳۵۹. ایزیدور خاراکسی (سدهٔ یکم قبل از میلاد) در کتاب ایستگاه‌های پارتی ضمن ذکر ایستگاه‌های چاپاری واقع بر جادهٔ تجارتی بین مدیترانه شرقی تا هندوستان از ساوه نیز یاد کرده است.

Isidore of Charax : Parthian station, on account of the overland trade route between the Levant and India in the first century. B. C. the Greek text with a translation commentary, by W. H. Scheff, Philadelphia, 1913.

لویی واندنبرگ استاد دانشگاه‌های گان و بروکسل در کتاب باستان‌شناسی ایران باستان گزارش حفريات و مطالعات باستان‌شناسی در عراق عجم از جمله ساوه، خورمه محلات و ... را بیان کرده است.

Vondenbergh, Louis : Archeologie de l'Iran ancien, Leiden, E. G. Brill, 1958.

کتاب او توسط دکتر عیسی بهنام استاد فقید دانشگاه تهران ترجمه و منتشر شده است (چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹).

لویی واندنبرگ دربارهٔ کاوش‌های نزدیک مسره (Masrah) گفته «در مسره نزدیک شهر جدید ساوه تجار عتیقه کاوش‌هایی به عمل آورده‌اند و در آنجا سفالی شبیه به سفال طبقه دوم سیلک به دست آورده‌اند. بعضی از ظروف مکشوف از این محل وارد موزه‌های مالمو (Malmo) و موزه لور (Lovre) شده است.

در سال ۱۹۳۷ در قلعه دشت (کله دشت) در ناحیه ساوه کاوش‌هایی به وسیله تاجران عتیقه به عمل آمد و در آن ناحیه ظروف سفالین متعدد مانند جام، ماست خوری، خمره‌های کوچک با سفال ضخیم، با زمینه قرمز یا خاکستری سیر و نقش سیاه پیدا شد. تزیینات این ظروف شامل نقوش هندسی است و خالی از ظرافت می‌باشد. چند عدد از این ظروف با ظروف هیتی مکشوف در الیستر شباهت زیادی دارد و از اینجا معلوم می‌شود بین مردم این ناحیه و مردم آسیای صغیر، از زمان‌های بسیار قدیم روابطی وجود داشته است. از این محل سفال بدون نقش به رنگ قرمز یا خاکستری نیز به دست آمده است، مانند

1. Utaker Klima.

آبخوری پایه‌دار، بشقاب با دسته‌ای به شکل سر قوچ، نظیر ظروف طبقه اول گیان و گورستان A سیلک». در دشت ساوه تپه‌های پیش از تاریخ فراوان است و این مطلب از تفحصات هوایی آقای اشمیت نمایان گردیده است (باستان‌شناسی ایران باستان، تألیف لویی واندنبرگ، ترجمه دکتر عیسی بهنام)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴).

کاوش‌های مسره نزدیک ساوه در این کتاب‌ها آمده است :

S. Przeworski : *Altorientalische altertumer in Skandina-vischen sammlungen*, در *Eurasia septentrionalis antiqua*, vol. X (1936) Fig. 28, a-d.

Herzfeld, Iran, Fig. 185-186.

Herzfeld, ILN, 1935, p. 982, Fig. 2.

T. J. Arne, *Die komparative somlingarna i statens historisk museum*, در *Fornvannen*, vol. XLII, (1936), p. 195, Fig. 4 a.b, c.

ولفرام کلایس باستان‌شناس آلمانی که سال‌ها مدیریت شعبه مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در ایران را عهده‌دار بود در کتابی که منتشر کرده است نتایج مطالعات خود را در ساوه، آوه را به شکل دقیقی درج کرده است، کتاب او در وین چاپ شده است :

Wolfram Kleiss. *Die entsvicklung von Palasten und palastatigen wohnbauten in Iran*, Wien, 1989.

اریخ اشمیت درباره ناحیه ساوه - هاوه مطالب و عکس‌هایی منتشر کرده است :

Schmidt, Ehrich, *Flight*, p. 27, 28 pl. 29.

اریخ اشمیت (۱۸۹۷ - ۱۹۶۴) بیش از بیست سال در ایران به فعالیت‌های باستان‌شناسی در مقیاس وسیع مشغول بود.

گزارش‌های او درباره تخت جمشید از شهرت جهانی برخوردار است. اهم حفاری‌های اشمیت در تخت جمشید، شهر استخر ساسانیان در استان فارس، تپه حصار دامغان و تپه چشمه‌علی نزدیک شهر باستانی ری و حفاریات متعدد در ناحیه کتمرلان لرستان بودند. مطالعات او بخصوص درباره لرستان یکجا منتشر شده است (دانشگاه شیکاگو، ۱۹۸۹، ج ۱، ۵۹۴ ص؛ ج ۲، ۲۶۵ ص).

خوره (محلات)

لویی واندنبرگ در کتاب پیش گفته وی درباره خوره اطلاعاتی را منتشر کرده است: «در جنوب شرقی قم در دره محلات در جاده اراک به کاشان، در دهکده خوره دو ستون شیاردار بر سر ستون ایونی دیده می شود. این ستون ها مانند ستون های کنگاور از زمان سلوکی هاست. در پاییز سال ۱۹۵۶ اداره کل باستان شناسی ایران در این محل کاوش هایی به عمل آورد. هر تسفلد مطالبی درباره آنجا منتشر کرده است.

Herzfeld, Amtor, p. 32. pl. XVIII.

Idem, Iran, p. 283, Fig. 382, 383, pl. VXXX VIII, IXXXIXa.

نیسار

لویی واندنبرگ (همانجا، ص ۱۲۵)، نوشته: در نیسار یک چهارطاقی روی جاده ای که از دلیجان به کاشان می رود دیده می شود و ویرانه های یک بنای دیگر شبیه به بنای نیسار در آتشکوه نزدیک نیم و آر (Nimvār) مشهود است. مقابل طرف شمال این بنا ایوانی با دو اطاق دیده می شود. در یکی از این دو اطاق آتش را حفظ می کرده اند و در دیگری موبد مراسم مذهبی را انجام می داده است. واندنبرگ سپس این آثار را در این کتاب ها معرفی کرده است :

A. P. Hardy : Le monument de Neisar در Athar-e-Iran, vol. III (1938), p. 163-166, Fig. 100-106.

آتشکوه نیم و آر

A. Godard : Les monument du feu در Athar-e-Iran, vol. III (1938), p. 32-39, Fig. 14-22.

لسترنج از ساوه و آوه یاد کرده است :

Lestrangle, G, The lands of the eastern caliphate, Frankfurt, 1966, p. 211.

ویلهلم بارتولد (۱۹۳۰ - ۱۸۶۹ م.) در کتاب جغرافیای تاریخی ایران از ساوه یاد کرده است :

W. Barthold : An historical geography of Iran, Translated by Srat Soucek, edited with an introduction by C.E. Bosworth, Princeton university press, Princeton, Newjersey, 1984.

و. بارتولد، جغرافیای تاریخی ایران، مترجم انگلیسی اسوات سوچک، ویرایش و مقدمه از بوس ورت، نیوجرسی، دانشگاه پرینستون، ۱۹۸۴، وزیری، ۲۸۵ ص، نقشه، کتاب‌شناسی، فهرست راهنما.

بسیاری از سیاحان خارجی در طول تاریخ از منطقه عراق عجم دیدن کرده و مشاهدات و بررسی‌های خود را ثبت کرده یا انتشار داده‌اند. تحقیق بر روی این سفرنامه‌ها خود موضوع رساله جداگانه‌ای است. برخی از این سیاحان مارکوپولو، آلفونس گابریل، شاردن، یاکوب پولاک، جرج ناتانیل کرزن، هوتم شیندلر، گیوسافا باربارو، فیگورا، ابوت، جکسن، اوژن فلاندن، مسیو چریکوف و بسیاری دیگر. نشانی برخی از این آثار چنین است:

سفرنامه مارکوپولو که حکایت سه پادشاه یا سه مجوسی که از ساوه به بیت‌الحم سفر کرده‌اند با شرح هنری یول در آن درج شده است :

The book of ser Marcopolo translated by sir Henry Yule, vol. I. London, 1921, pp. 78-86.

آلفونس گابریل نیز جزئیات دیگری درباره سفر مجوسان ساوه به بیت‌الحم افزوده است :

Gabriel, Alphonse : Marco Polo in persien, Wien, 1963.

دکتر پاول ویلیام رابرتز، استاد شرق‌شناسی در دانشگاه تورنتو کانادا جزئیات تحقیق و بررسی‌های خود در سفر به ساوه در سال ۱۹۹۲ م. و تحقیق درباره سه روحانی مجوس (= مغ) بشارت‌دهنده تولد حضرت عیسی را در کتابی در کانادا منتشر کرده است.

Paul William Roberts : Journey of the Maji : in search of the birth of gesus, Stoddart publishing, Toronto, Canada, 1995.

هوتم شیندلر جزئیات سفر و بررسی‌های خود به شهرهای عراق عجم (ساوه، محلات، نیم‌ور، اراک) را در کتابی در لندن منتشر کرده است. چاپ دیگری از این کتاب به غیر از چاپی که قبلاً معرفی شد در دست هست.

Houtum Schindler : Eastern persian Irak, London, 1903.

در سفرنامه اوژن فلاندن نیز اطلاعات جالب و دقیقی درباره برخی شهرها و روستاهای عراق عجم

چاپ شده است. وی دانشمند و جهانگرد فرانسوی بوده که در زمان محمدشاه قاجار در سال‌های ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۱ خورشیدی به اتفاق هنرمند هموطن خود «پاسکال گست» به ایران مسافرت کرده است. سفرنامه او ترجمه شده است: اوژن فلاندن: سفرنامه ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، ۱۳۵۶، اشراقی، چاپ سوم.

از سفرنامه‌های قابل توجه دیگر سفرنامهٔ دقیق ادوارد ایست ویگ «دیپلمات انگلیسی در سال ۱۲۷۹ است :

Eastwick. E. G. : Journal of a diplomatic three year's residence in Persia, London, Cornhill, 1864.

سفرنامه‌های دیگری که حاوی مطالبی درباره عراق عجم هستند سفرنامه جکسون و سفرنامه مسیو چریکوف است که هر دو ترجمه شده‌اند:

- سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۲ .
- سیاحتنامه مسیو چریکوف، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی‌اصغر عمران، تهران، جیبی، ۱۳۵۸ .

ساوه (مشاهیر)

پروفسور دکتر گوستاو فلاگل ضمن معرفی مبسوط شیخ داوود قیصری و شرح فصوص‌الحکم او تصریح کرده است که وی از ساوه بین ری و همدان است.

Gustave Flugel : Die arabischen persischen turkischen handchrfent der kaiserlichen und knoiglichen hof bibliothek zu Wien, Wien, 1867, vol. III, pp. 334.

کارل بروکلمان شاعری گمنام از ساوه را با نام خواجه سلیمان ساوجی از قرن دهم هجری شناسانده، نمونه‌هایی از شعر او را که در یک نسخهٔ خطی در کتابخانه دانشگاه هامبورگ آلمان به شماره , Oriant 234 موجود است، به دست داده است :

Brockelman, Carl : Katalog of der orientalischen handchriften der stadt bibliothek zu Hamburk, Humburk, 1969, vol. I, p. 103.

میکلو خومکلائی در مقاله‌ای با عنوان نسخه‌های خطی انستیتوی خاورشناسی شوروی، ابن ساوجی (زنده تا سال ۷۳۲ ق.) را به عنوان مترجم کتاب «المسالک والممالک» اصطخری شناسانده است :

N. D. Miklukhomklai : Opisonie tadhzhiskikh rukopisei instituta, Vostokave deniye, Moscow, 1955, p. 12-14.

چارلز ریو ضمن معرفی نسخه‌ای خطی از شرح رساله الطیر ابن سینا تألیف حکیم ابن سهلان ساوجی (متوفی ۵۴۰ یا ۵۵۰ ق) او را شناسانده است.

Charls Rieu : Catalog of the persian manuscripts of the British musium, II / p. 430, III, p. 1078-1079.

نیمی از کتاب البصائر النصیریة (در منطق) حکیم ابن سهلان ساوجی با تصحیح عیسی افندی و جرجی‌بک در مطبعة عثمانیة لبنان در سال ۱۸۹۱ م. به چاپ رسیده است. همچنین متن کامل آن با تعلیقات شیخ محمد عبده در بولاق مصر در ۱۳۱۶ ق. / ۱۸۹۸ م. به طبع رسیده است.

کتاب «جواب علی الشهورستانی» حکیم ابن سهلان ساوجی به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شده است. از جمله ترجمه عبری آن در وین (۱۹۰۵ م.)، ترجمه لاتین آن در رم (۱۹۲۶ م.)، ترجمه آلمانی آن در برلین (۱۹۳۱ م.) و ترجمه فرانسوی آن در پاریس (۱۶۵۳ م.) به طبع رسیده است.

Carl Brockelman : Geschite der arabischen litttrature, SI. 830.

و دکتر یحیی مهدوی، فهرست مصنفات ابن سینا، ص ۲۴۰.

مینیاتوری بسیار زیبا از منطق الطیر عطار اثر میرزا حبیب ساوه‌ای در موزه متروپولیتن در نیویورک آمریکا موجود است. تصویر این مینیاتور در مجله کیهان فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۱۲۰، ص ۶۶ به چاپ رسیده است.

برخی از کتاب‌ها و اشعار میرزا مبارک‌الله واضح ساوجی ملقب به ارادت‌خان (متوفی ۱۱۲۸ ق.) که در زمان سلطنت محی‌الدین اورنگ زیب در هند می‌زیسته در هند و پاکستان به طبع رسیده است از جمله :

- تاریخ ازادت‌خان، تألیف مبارک‌الله واضح، به تصحیح دکتر غلام رسول مهر، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۱ م.

- خلاصه تاریخ ارادت خان، به وسیله جاناناتان اسکات^(۱) ترجمه شده و در سال ۱۷۸۰ م. در لندن به چاپ رسیده است.

- پنج رقعہ، نوشته مبارک‌الله واضح، این کتاب در سال‌های ۱۲۵۹ ق.، ۱۲۸۰ ق.، ۱۲۹۱ ق.، در گانپور و ۱۲۹۸ ق. در لکنهو به چاپ رسیده است.

- مینا بازار، مبارک‌الله واضح، در گانپور، مطبع منشی نول، ۱۸۷۸ میلادی و نیز در لکنهو، ۱۸۹۰ م. به چاپ رسیده است.

سراج البوت و پروفیسور داوسون هم شرحی بر تاریخ ارادت خان نوشته‌اند که در تاریخ هند مذکور است :

Eliot and Dowson, History of India, VII, 534-544.

قلندرنامه خطیب فارسی در سیرت شیخ جمال‌الدین ساوجی در سال ۱۹۸۰ م. در ترکیه با تصحیح دکتر تحسین یازیچی به زبان انگلیسی به طبع رسیده است.

درباره فرقة قلندریه و قلندرنامه خطیب فارسی (در سیرت شیخ جمال‌الدین ساوجی) دکتر سعدالدین کجاترک این کتاب را نوشته است :

Dogu Dilleri il Gilt-1. Soyi 1971.

محلات (مشاهیر)

آقاخان اول محلاتی (محمدحسن الحسینی حسنعلی شاه) در زمان فتحعلی شاه قاجار مدتی عهده‌دار حکومت محلات و قم بوده است. بعدها خود و بستگانش به بمبئی و بنگال هند مهاجرت کرده، در آنجا اقامت گزیده‌اند. وی در سال ۱۲۹۸ ق. درگذشته و جسدش را در مقبره حسن آباد بمبئی به خاک سپرده‌اند. او در شرح حال خود رساله‌ای به نام «عبرت افزا» نوشته است که در هند و ایران به چاپ رسیده است. سیدمحمدحسن (آقاخان اول محلاتی) عبرت افزا، چاپ اول، بمبئی، ۱۲۷۸ ق، چاپ دوم، تهران، ۱۳۲۵ ق.

آقاخان سوم محلاتی (سلطان محمد پسر آقاعلیشاه) از ۱۸ اوت ۱۸۸۵ م. تا سال ۱۹۵۷ م. در هند و

1. Janatan Scot.

بمبئی پیشوای دینی برجسته‌ای بود. او مردی دانشمند بود و در تاریخ اسلام و ایران و مسائل دینی اطلاعات کافی داشت و دارای تألیفات متعدد است و در سال ۱۹۱۸ م. کتاب «هند در حال تحول» را منتشر ساخت و از طرف دانشگاه آکسفورد به اخذ درجه دکتری نایل گشت.

India in transition, London, 1918.

وی در تأسیس دانشگاه علی‌گره مؤثر بود و در سال ۱۹۲۱ م.، معاون آن دانشگاه شد. سرانجام وی در سال ۱۹۵۷ م. درگذشت و جسدش را در آسمان مصر به خاک سپردند. وی دارای لقب "Sir" از انگلستان بود. پرنس صدرالدین پسر آقاخان سوم محلاتی در سال ۱۹۳۳ م. متولد شد (مقدمه عبرت‌افزا، صفحه بیست و هفت). ریاست کمیته پناهندگان در سازمان ملل به عهده او قرار گرفت. از خدمات فرهنگی او، تأسیس کرسی تحقیقات ایران‌شناسی در دانشگاه هاروارد است.